ی که به زندگی ما روشنی می بخشند

با نور

ت دینی و عرفانی ما آن را به اشیاء، اشخاص یا تصورات مقدس نسبت
ست. شاید محل تأمل باشد که چرا این اشعه‌های فیزیکی که به آنها
م تا حالا کسی خدا را به نور تشبیه نکرده باشد. چه وجه شبهی در کار
ی برای اهالی تحقیق باشد اما اجمالا در هفت قسمت سعی داریم
شما هم بخوانید تا با هم نگاه کنیم!

نور منشأ گرما و برعکس!

راستش درست و حسابی متوجه نشدیم، نور منشأ گرماست یا گرما منشأ نور است اما به هر حال حس می‌کنیم این دو تا یک رابطه خاصی با هم دارند. آتش، خورشید یا حتی چیز بی ربطی مثل لامپ، هر سه با خود گرما هم تولید می‌کنند. گرمای ملایم هم از لازمه‌های قطعی رشد و هستی‌اند. هوا وقتی از یک حدی سردتر می‌شود، دیگر کمتر گیاهی سبز می‌ماند. حتی باد پاییزی که سوز پاییز را به همراه آورده، نماینده خزان است و اصلا توصیه شده تن‌مان به تنش نخورد! این را گفتیم که بگوییم در چیزی مثل خورشید اشعه‌های گوناگون وجود دارد، هرچه اشعه به خورشید نزدیک‌تر باشد گرمی بیشتری دارد و هرچه دورتر، کمتر! سرعت نور هم که دیگر برای‌تان نگویم چقدر است! همین قدر بدانید که وقتی می‌خواهند به چیزی بگویند سریع، می‌گویند سرعتش مثل سرعت نور است. همه این حرف‌ها را زدم که بگویم همین نور با این‌که مبدا حرارت و سرعت و گرما و زندگی است اما هنوز موجوداتی از آن فرار می‌کنند. مثلا همین خفاش خودمان! من نمی‌دانم چه خیری از این تاریکی دیده است! خورشید که در آسمان باشد فرقی نمی‌کند کجا، هرجا باشی نورش می‌تابد مگر این‌که خودمان نورگریزی کنیم. نور عاشق ماست اما خب شاعر هم زیبا گفت: تا نباشد ز سمت معشوق کششی، کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد!

نورالدین، پسر ایران

«با وجودی که جانباز ۷۰ درصد است، هر بار بعد از بهبودی نسبی به جبهه برمی‌گردد. در ۱۸ سالگی چهره‌اش در اثر جراحت‌های شدید و جراحی‌های زیاد کاملا شکل خود را از دست می‌دهد. در سال ۱۳۶۳ با دختری ۱۶ ساله به نام معصومه عقد می‌کند. در ۱۳۶۶ ازدواج می‌کند و در سال ۱۳۶۷ اولین فرزندش، که دختر است، متولد می‌شود. در مناطق جنگی به عنوان غواص در عملیات‌های زیادی شرکت می‌کند. پس از قبول قطعنامه و پایان جنگ، برای مداوا به آلمان می‌رود و باز هم تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد و بنا به درخواست خودش زودتر از موعد به ایران برمی‌گردد. نورالدین هنوز دردها و ناراحتی‌های جسمی و دلتنگی دوری از دوستان شهیدش، مخصوصا امیر مارالباش، را دارد.»

اینها حکایت نورالدین است. حیف است از نور حرف بزنیم و شما را به خواندن شرح حال نورالدین دعوت نکنیم. کتاب «نورالدین پسر ایران» گرچه به خاطرات یک نوجوان خطه آذربایجان پرداخته است، اما در جای‌جای کتاب ویژگی‌های «فرزند ایران بودنی» نورالدین کاملا پیدا است؛ ویژگی‌هایی چون صفا و صمیمیت، صداقت و صراحت، سادگی و بی‌تکلفی، سرنترس داشتن و شهادت‌طلبی که به خوبی هم تصویر شده است. اینها خُلقیات و صفات تمام فرزندان ایران بود که در جبهه‌های نبرد حاضر بودند.

کتاب نورالدین پسر ایران که انتشارات سوره مهر آن را در آذر ماه ۱۳۹۰ منتشر کرده، ششصدمین کتاب دفتر ادبیات و هنر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در ۲۳ سال فعالیت این دفتر به حساب می‌آید. خاطرات سید نورالدین عافی را ابتدا در سال ۱۳۷۳، آقای موسی غیورطی ۴۰ ساعت مصاحبه به زبان ترکی ضبط کرد و معصومه سپهری از سال ۱۳۸۳ کار پیاده‌سازی و تنظیم این مصاحبه‌ها را برعهده گرفت. ایشان برای فراهم آوردن این کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای شخصا نیز چندین مصاحبه تکمیلی از صاحب خاطرات و همرزمان او گرفت.

نورترین

معتقدم بیشتر چیزها در این عالم که خدا زحمت آفرینشش را به یک نظر کشیده، دچار مراتب است. یعنی درجه‌بندی و طیف دارد. مثل این‌که ما آبی کمرنگ داریم و آبی پررنگ! وقتی می‌خواهیم راجع به خدا هم صحبت کنیم، می‌گوییم که نور محض است. حد اعلای نور است. نور نه یعنی همین نور که اطراف‌مان می‌بینیم، یک چیزی فراتر از اینها. فراتر از عقل و فهم! آقای امام حسین (ع) هم همین‌طور است. یک پله بعد از خدا امام ماست. کجا نوری از امام ما روشن‌تر؟ اما شاید پایان هر متنی بهتر است با اشاره به اولش تمام شود. گفتیم که نور هم ظاهرکننده خود است و هم ظاهرکننده غیر از خودش. شاید بعد از خدا، آقای امام حسین (ع) روشنگرترین موجود عالم باشد. همچنان که پیغمبر خدا فرمود: «اِنَّ الْحُسین مِصباحُ الْهُدی وَ سَفینَهُ الْنِّجاة» این مصباح الهدی بودن آقا، خوبان عالم را مست کرده. امام حسین(ع) از ازل همان چراغ هدایتی است که مسیر هدایت به صراط مستقیم را روشن کردند و براساس این حدیث هر کس در هر زمان و مکانی توفیق هدایت به سوی صراط مستقیم را یافت، مدیون امام حسین (ع) و وجه مصباح هدایتی حضرت است. چقدر زیباست که از این وجه به آیه «إهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ» نگاه شود که در این صورت نماز خودمان را با امام حسین (ع) گره زده‌ایم، به این صورت که شرط هدایت به صراط‌المستقیم، بهره از وجه مصباح الهدایی امام حسین(ع) است. آقای ما امام حسین (ع) نور علی نور است. ایام تولد نورانی آقا هزاردفعه آن‌گونه که به شماره درنیاید، مبارک.